

جنسیت و رابطه‌ی آن با مقبولیت و شفافیت واژگان نو:

بررسی موردی واژگان عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

سعید کتابی*، مهدی عقیلی**، مرجان ابوالحسنی***

چکیده: این مقاله به بررسی میزان مقبولیت و شفافیت شماری از پرکاربردترین واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان پرداخته است. میزان مقبولیت و شفافیت با توجه به متغیر جنسیت دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت (با این فرض که میزان مقبولیت و شفافیت این واژگان در یک گروه بیشتر از گروه دیگر است). پس این‌گونه فرض شد که میزان مقبولیت و شفافیت واژگان در خانم‌ها بیشتر از آقایان است. جامعه‌ی آماری این تحقیق متشکل از ۶۰ تن از دانشجویان دانشگاه اصفهان (شامل ۲۹ نفر دانشجوی دختر و ۳۱ دانشجوی پسر) بوده که به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده، از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که میزان مقبولیت و شفافیت واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در خانم‌ها بیشتر از آقایان است اما این مقدار چشم‌گیر نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مقبولیت، شفافیت، جنسیت، نو واژگان، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مقدمه

اینک که قریب به نیم‌قرن از انتشار واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان ایران می‌گذرد، واژه‌سازی و معادل‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی افزایش یافته و گروه‌های واژه‌گزینی فراوانی تأسیس شده که به این امر خطیر همت می‌ورزند. بررسی این واژه‌ها سودمندی‌های فراوانی دارد. از جمله این سودمندی‌ها پی بردن به علل موفقیت و عدم موفقیت کار فرهنگستان است. این امر می‌تواند راهنمای مناسبی باشد برای اشخاص یا مؤسساتی که به کار واژه‌گزینی می‌پردازند.

* ketabi@fqn.ui.ac.ir

** aghili1985@gmail.com

*** m.abolhasani@gmail.com

* استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه اصفهان

** کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان

*** کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۱/۲۳

از آن جایی که هدف هر دستگاه واژه‌گزینی، رواج واژه‌های مصوب می‌باشد و با توجه به این که مقبولیت و شفافیت این واژگان تأثیر به‌سزایی در رواج آن‌ها دارد، این مقاله به بررسی میزان مقبولیت و شفافیت شماری از پرکاربردترین واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان پرداخته است. در این مقاله متغیر جنسیت دانشجویان، مدنظر می‌باشد. امید می‌رود حاصل این بررسی و تحلیل برای آنان که به امر واژه‌گزینی اشتغال دارند مفید باشد.

این مقاله سه بخش دارد: در بخش اول، پس از بیان ضرورت و اهمیت معادل‌گزینی و واژه‌سازی در زبان فارسی مروری بر پیشینه‌ی تحقیق شده است. بخش دوم به توضیح روش کار پرداخته است و سرانجام در بخش سوم نتایج این تحقیق عرضه شده است.

ضرورت و اهمیت معادل‌گزینی و واژه‌سازی

قرض‌گیری واژه‌ها ظاهراً امری احترازان‌ناپذیر است که در همه‌ی زبان‌ها روی می‌دهد. زبان فارسی نیز مستثنی نبوده و برای پر کردن خلأهای معنایی به قرض‌گیری می‌پردازد (افراشی، ۱۳۸۶: ۸۸). سمیعی (۱۳۷۵)، عنوان کرد: «واژه‌های بیگانه‌ای که در این سال‌ها وارد زبان فارسی شده‌اند به اعتباری از دو دسته‌اند: یک دسته آن‌هایی که بیشتر از راه بازرگانی و با کالاهای وارداتی رخنه کرده‌اند و دیگر اصطلاحات علمی و فنی و فرهنگی که ره‌آورد درس‌خواندگان در خارجه یا دست‌آورد مترجمان و مؤلفان و این روزها بیشتر از زبان انگلیسی‌اند. اگر جریان ورود لغات خارجی کند و تدریجی بود شاید چندان خطری احساس نمی‌کردیم. دست کم فرصت داشتیم آن‌ها را هضم کنیم. ولی حالا که شمار این لغات رو به فزونی است باید ورودشان را مهار کرد». عادل (۱۳۸۰)، این‌گونه اظهار دارد که: «در باب برگرداندن لغات و اصطلاحات علمی و فنی خارجی به فارسی اتفاق نظر وجود ندارد گروهی اصولاً چنین کاری را غیرلازم، کم‌فایده و حتی ناممکن می‌دانند و گروهی دیگر، بر خلاف آنان معتقدند باید واژه‌گزینی را به جد گرفت و با یافتن و ساختن معادل‌های مناسب و دل‌پسند فارسی برای الفاظ بیگانه در حوزه‌ی علم و فن، زبان فارسی علمی را تجهیز و تقویت کرد».

ابوالحسن نجفی (۱۳۶۱) با این‌که بر معادل‌سازی و ضرورت آن تأکید دارد، اما وجود واژه‌های قرضی را خطر جدی برای زبان نمی‌داند. وی عنوان می‌کند که اگر وجود واژه‌های قرضی خطر بود، زبان فارسی در رابطه‌ی هزار و چند صد ساله‌اش با زبان عربی و اخذ ده‌ها هزار واژه از آن می‌بایست به کلی نابود شده باشد.

جنسیت و رابطه‌ی آن با مقبولیت و شفافیت واژگان نو ۱۰۱

حسن احمدی گیوی و همکارانش (۱۳۷۱) در مقاله‌ای این‌گونه عنوان کردند که زبان فارسی با خطر ورود واژه‌های بیگانه روبرو است. اما این خطر آن‌چنان نیست که نتوان آن را از میان برد بلکه می‌توان با معادل‌گزینی برای واژه‌های بیگانه این مشکل را حل کرد.

علی‌محمد حق‌شناس (۱۳۷۰) چنین استدلال می‌کند که استفاده از واژه‌های بیگانه شفافیت واژگانی زبان قرض‌گیرنده را کاسته و موجب تیرگی آن می‌شود و علاوه بر این، حضور این گونه واژه‌ها در زبان فارسی بر ساختمان این زبان اثری ویرانگر گذاشته است. به اعتقاد وی برای بیان مفاهیم جدید باید از امکانات واژه‌سازی خود زبان فارسی بهره برد و نه این‌که خود واژه‌های بیگانه را به کار برد.

مروری بر پژوهش‌های گذشته

این مقاله به بررسی میزان مقبولیت و شفافیت شماری از واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرداخته است. از آنجایی که در زمینه‌ی مقبولیت و شفافیت واژگان به تحقیق مشابهی بر نخوردیم، به چند مورد از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی واژگان مصوب فرهنگستان بسنده می‌کنیم.

حسن هاشمی میناباد و مریم شمسی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی الگوهای واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی» به بررسی فرایندهای واژه‌سازی در این دفتر پرداخته‌اند. این فرایندها به تفکیک تحلیل شده تا پرکاربردترین عناصر و فرایندهای واژه‌سازی شناسایی شود. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که پرکاربردترین فرایندهای زبان فارسی به ترتیب، ترکیب و اشتقاق بوده و کم‌کاربردترین آن‌ها اشتقاق معکوس و واژه‌سازی دو رگه می‌باشد.

علی کافی (۱۳۶۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی واژه‌های ریاضی فرهنگستان اول» به بررسی واژه‌های فرهنگستان در علم ریاضی می‌پردازد. بدین منظور ابتدا واژه‌های ریاضی استخراج شده و سپس براساس حروف الفبا مرتب شده‌اند. پس از این مرحله واژه‌ها طبقه‌بندی شده و از لحاظ میزان رواج و جالفتادگی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که فرهنگستان در امر انتخاب برای واژه‌ی ریاضی چندان موفق نبوده است. دلیل عمده‌ی این امر توجه فرهنگستان به حذف واژه‌های فارسی عربی تبار بوده است. اگر فرهنگستان به جای این کار به انتخاب معادل برای واژه‌هایی از علم ریاضی می‌پرداخت که معادلی برای آن‌ها وجود نداشت قطعاً موفق‌تر می‌بود. وی در تحقیقی دیگر (۱۳۷۱)، به بررسی واژه‌های فرهنگستان اول پرداخته و میزان جالفتادگی واژه‌های فرهنگستان اول در رشته‌های نظامی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، اداری و کشوری، بانکی و تجاری، سیاسی، پزشکی، قضایی و حقوقی،

۱۰۲ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۸۹

جغرافیا، زمین‌شناسی، شهرداری، هواشناسی، فیزیک و مهندسی، ریاضی، ورزش و پیشاهنگی را مورد بررسی قرار داده و به ارزیابی میزان جافتادگی واژه‌های رشته‌های متفرقه نیز پرداخته است. شریفی (۱۳۷۹) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود به بررسی جایگاه شماری از واژگان مصوب فرهنگستان در بین مردم پرداخت. وی در این پایان‌نامه به بررسی میزان آشنایی مردم با این لغات و کاربرد آن‌ها پرداخت. هدف وی از این تحقیق ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت فرهنگستان زبان و ادب‌فارسی در امر معادل‌گزینی برای واژه‌های قرضی اروپایی بود. نتایج نشان از آن دارد که مردم با اکثر لغات فرهنگستان آشنا هستند اما آن‌ها را به کار نمی‌برند.

احمدی‌پور (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌ی دکتری خود به بررسی مهم‌ترین عوامل برون‌زبانی در پذیرش نوواژگان مصوب فرهنگستان در بین فارسی‌زبانان پرداخته است. او با استفاده از مدل کوپر، چهار متغیر پذیرش نوواژه یعنی، دانش، آگاهی، ارزیابی و کاربرد را در نظر گرفته است. وی همچنین به بررسی رابطه بین این متغیرها و متغیرهای جنسیت، سن و تحصیلات پرداخت. احمدی‌پور اعلام کرد فرهنگستان می‌تواند با دخالت در متغیر آگاهی، دانش پذیرش نوآوری‌های زبانی را بالا ببرد. این نهاد می‌تواند با دخالت در متغیر ارزیابی میزان کاربرد این لغات را نیز افزایش دهد.

محمودی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود به بررسی میزان کاربرد واژه‌های فرهنگستان در ترجمه‌ی متون تخصصی در قیاس با واژه‌های قرضی پرداخته است. وی همچنین به یافتن رابطه محتمل بین میزان آشنایی با این لغات و استفاده از آن‌ها در متون ترجمه شده پرداخت و در این کار متون تخصصی نه رشته را مورد ارزیابی قرار داد. نتایج حاصله نشان از آن دارد که در زمینه استفاده از این لغات، اختلاف فاحشی بین استفاده از این لغات و لغات قرضی وجود دارد و دیگر این که آشنایی بیشتر با لغات فرهنگستان منتج به استفاده بیشتر از آن لغات می‌شود.

روش تحقیق

برای شروع کار ابتدا نیاز به دستیابی به معادل‌های فارسی پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب‌فارسی بود. این فرهنگستان با هدف معادل‌سازی برای واژه‌های قرضی اروپایی مجموعه‌ای مشتمل بر ۲۶۲ واژه قرضی اعم از انگلیسی، فرانسه و آلمانی را انتخاب کرده و برای آن‌ها معادل فارسی برگزیده است که این معادل‌ها را در دو مجلد تحت عنوان «واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب‌فارسی» در مرداد ۱۳۷۶ و

جنسیت و رابطه‌ی آن با مقبولیت و شفافیت واژگان نو ۱۰۳

بهمن ۱۳۷۷ به چاپ رسانده و در اختیار عموم قرار داده است. در انتخاب معادل‌ها، فرهنگستان واژه‌های قرضی را به دو دسته «عمومی و تخصصی» تقسیم کرده است و اولویت را در واژه‌گزینی به واژه‌های عمومی، یعنی آن دسته از واژه‌هایی داده است که به زبان عامه‌ی مردم راه یافته و بر قلم نویسندگان مطبوعات جاری شده‌اند و پیشنهاد معادل برای واژه‌های تخصصی را به متخصصان رشته‌های گوناگون واگذاشته است (واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۶: ۷).

ابزار جمع‌آوری داده

ابزار جمع‌آوری داده در این تحقیق پرسش‌نامه بود. برای تهیه این پرسش‌نامه، از بین ۲۶۲ معادل فارسی معرفی شده، تعداد ۹۰ معادل به تشخیص پژوهشگر انتخاب شده و از این بین، ۵۰ واژه که از بسامد بالاتری برخوردار بودند از طریق مصاحبه با جامعه‌ی آماری این تحقیق انتخاب شدند. از این ۵۰ واژه پرسش‌نامه‌ای تهیه شد، بدین صورت که جملاتی از مطبوعات، رادیو و تلویزیون جمع‌آوری شد و این لغات در قالب ۵۰ جمله در این پرسش‌نامه گنجانده شد و در اختیار جامعه‌ی آماری این تحقیق قرار گرفت.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این تحقیق ۶۰ تن از دانشجویان دانشگاه اصفهان بودند که ۲۹ نفر دانشجوی دختر و ۳۱ نفر دانشجوی پسر بودند که همه‌ی آن‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند.

میزان مقبولیت و شفافیت واژگان

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد برای جمع‌آوری داده از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. بعد از جمع‌آوری، پرسش‌نامه‌ها بر اساس متغیر جنسیت به دو دسته تقسیم شدند. هدف از این دسته‌بندی‌ها بررسی تأثیر جنسیت دانشجویان بر میزان مقبولیت و شفافیت واژگان مصوب فرهنگستان می‌باشد. در این تقسیم‌بندی این‌گونه فرض شد که مقبولیت و شفافیت این واژگان در دانشجویان دختر بالاتر از دانشجویان پسر است.

دسته‌بندی و ارزش‌گذاری داده‌ها به منظور ارزیابی میزان مقبولیت

به منظور ارزیابی میزان مقبولیت، این واژگان به چهار دسته تقسیم شدند:

۱. واژه‌هایی با مقبولیت بسیار بالا: واژه‌هایی که کاملاً مورد قبول دانشجویان بودند. مانند: همزن، راهرو...
۲. واژه‌هایی با مقبولیت بالا: واژه‌هایی که تا حدودی مورد قبول بودند. مانند: پایانه، توقفگاه...
۳. واژه‌هایی با مقبولیت پایین: واژه‌هایی که به ندرت مورد قبول دانشجویان بودند. مانند: بهانما، بهابازار...
۴. واژه‌هایی با مقبولیت بسیار پایین: واژه‌هایی که اصلاً مورد قبول دانشجویان نبودند. مانند: دمابان، آوابر...

برای به دست آوردن یک معیار کمی مناسب به منظور تعیین میزان مقبولیت واژه‌ها در هر گروه از دانشجویان، به هر یک از رده‌ها ضریبی داده شد.

واژه‌هایی با مقبولیت بسیار بالا: ضریب ۴؛

واژه‌هایی با مقبولیت بالا: ضریب ۳؛

واژه‌هایی با مقبولیت پایین: ضریب ۲؛

واژه‌هایی با مقبولیت بسیار پایین: ضریب ۱.

پس از انجام عملیات آماری درصد میزان مقبولیت این لغات در هر یک از گروه‌ها تعیین شد. در این بخش اطلاعات مربوط به مقبولیت واژگان در هر یک از گروه‌ها عرضه شده و مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

بررسی مقبولیت واژگان مصوب فرهنگستان بر اساس متغیر جنسیت

دانشجویان با توجه به متغیر جنسیت به دو گروه (دختر و پسر) تقسیم شدند. هدف از این دسته‌بندی سنجش تأثیر این متغیر بر میزان مقبولیت واژگان مصوب فرهنگستان می‌باشد، با این فرض که میزان مقبولیت این واژگان در دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر است.

نمودار ۱ میزان مقبولیت واژگان در دانشجویان دختر را نمایش می‌دهد. در دانشجویان دختر، ۲۸ درصد واژگان از مقبولیت بسیار بالا، ۱۲ درصد از مقبولیت بالا، ۱۸ درصد از مقبولیت پایین و ۴۲ درصد از مقبولیت بسیار پایین برخوردار هستند.

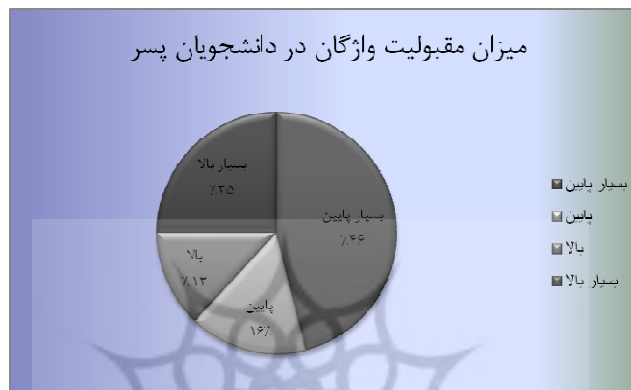
نمودار ۱. میزان مقبولیت واژگان در دانشجویان دختر



جنسیت و رابطه‌ی آن با مقبولیت و شفافیت واژگان نو ۱۰۵

نمودار ۲ میزان مقبولیت واژگان در دانشجویان پسر را نمایش می‌دهد. در دانشجویان پسر ۲۵ درصد واژگان از مقبولیت بسیار بالا، ۱۳ درصد از مقبولیت بالا، ۱۶ درصد از مقبولیت پایین و ۴۶ درصد هم از مقبولیت بسیار پایین برخوردار هستند.

نمودار ۲. میزان مقبولیت واژگان در دانشجویان پسر



همان‌گونه که در نمودارهای ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، میزان مقبولیت واژگان به‌ترتیب در دانشجویان دختر و پسر نمایش داده شده است. از آنجایی که هدف سنجش مقبولیت است، واژه‌هایی که مقبولیت آن‌ها بالا و بسیار بالا می‌باشد مدنظر هستند. میانگین مقبولیت واژگان در دانشجویان دختر ۲۰ درصد می‌باشد. در حالی که این مقدار برای دانشجویان پسر ۱۹ درصد است. طبق نتایج به‌دست آمده، میزان مقبولیت این لغات در دانشجویان دختر بیشتر می‌باشد هر چند که این مقدار ناچیز است.

دسته‌بندی و ارزش‌گذاری داده‌ها به منظور ارزیابی میزان شفافیت

به منظور ارزیابی میزان شفافیت، این واژگان به چهار دسته تقسیم شدند:

۱. واژه‌هایی با شفافیت بسیار بالا: واژه‌هایی که دانشجویان معنی آن‌ها را می‌دانستند. مانند: همزن، راهرو...
۲. واژه‌هایی با شفافیت بالا: واژه‌هایی که معنی آن‌ها قابل حدس زدن بودند. مانند: پایانه، توقفگاه...
۳. واژه‌هایی با شفافیت پایین: واژه‌های ابهام‌آمیز. مانند: بهانما، په‌بازار...
۴. واژه‌هایی با شفافیت بسیار پایین: واژه‌هایی که دانشجویان تا به حال آن‌ها را مشاهده نکرده بودند. مانند: دما بان، آوایر...

برای به دست آوردن یک معیار کمی مناسب به منظور تعیین میزان شفافیت واژه‌ها در هر گروه از دانشجویان، به هر یک از رده‌ها ضریبی داده شد.

واژه‌هایی با شفافیت بسیار بالا: ضریب ۴؛

واژه‌هایی با شفافیت بالا: ضریب ۳؛

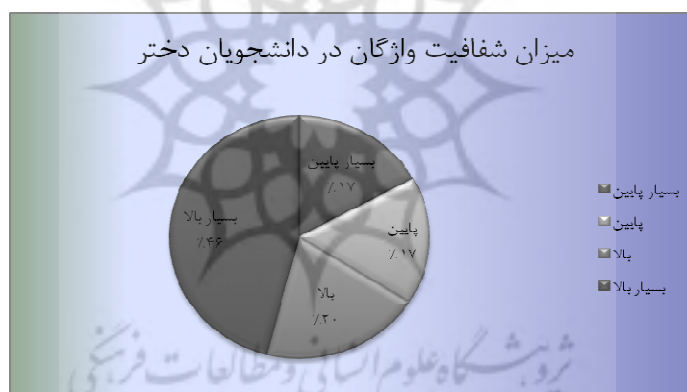
واژه‌هایی با شفافیت پایین: ضریب ۲؛

واژه‌هایی با شفافیت بسیار پایین: ضریب ۱.

بررسی شفافیت واژگان مصوب فرهنگستان بر اساس متغیر جنسیت

نمودار ۳ میزان شفافیت واژگان در دانشجویان دختر را نمایش می‌دهد. در دانشجویان دختر ۴۶ درصد واژگان از شفافیت بسیار بالا، ۲۰ درصد از شفافیت بالا، ۱۷ درصد از شفافیت پایین و ۱۷ درصد هم از شفافیت بسیار پایین برخوردار هستند.

نمودار ۳. میزان شفافیت واژگان در دانشجویان دختر

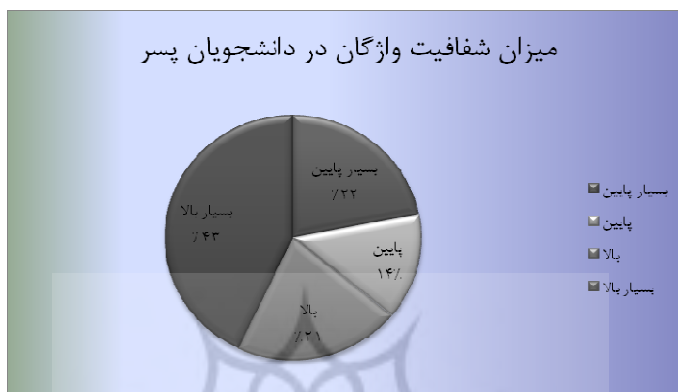


نمودار ۴ میزان شفافیت واژگان در دانشجویان پسر را نمایش می‌دهد. در دانشجویان پسر ۴۳ درصد واژگان از شفافیت بسیار بالا، ۲۱ درصد از شفافیت بالا، ۱۴ درصد از شفافیت پایین و ۲۲ درصد هم از شفافیت بسیار پایین برخوردار هستند. همان‌گونه که در نمودارهای ۳ و ۴ مشاهده می‌شود، میزان شفافیت واژگان به ترتیب در دانشجویان دختر و پسر نمایش داده شده است. از آنجایی که هدف سنجش شفافیت است، واژه‌هایی که از شفافیت بالا و بسیار بالا برخوردار می‌باشند، مدنظر هستند. میانگین شفافیت واژگان در دانشجویان دختر ۳۳ درصد می‌باشد. در حالی که این مقدار برای دانشجویان پسر ۳۲

جنسیت و رابطه‌ی آن با مقبولیت و شفافیت واژگان نو ۱۰۷

درصد است. نتایج به‌دست آمده نشان از آن دارد که میزان شفافیت این لغات در دانشجویان دختر بیشتر می‌باشد هر چند که این مقدار ناچیز است.

نمودار ۴. میزان شفافیت واژگان در دانشجویان پسر



نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی میزان مقبولیت و شفافیت شماری از واژگان عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرداخته است. در این تحقیق، متغیر جنسیت دانشجویان در نظر گرفته شده بود. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که میزان مقبولیت و شفافیت واژگان مصوب فرهنگستان در دانشجویان دختر بیشتر از پسر بوده، هر چند که مقدار این تفاوت ناچیز می‌باشد. در خصوص تعمیم نتایج مطالعه‌ی حاضر، باید متذکر شد که نتایج در حیطه‌ی واژگان بررسی شده می‌باشد. تحقیقات آینده می‌تواند علاوه بر بررسی میزان شفافیت و مقبولیت این واژگان به بررسی میزان کاربرد، آشنایی و جافتادگی آن‌ها، هم در حیطه‌ی لغات عمومی و هم در حیطه‌ی لغات تخصصی مصوب فرهنگستان بپردازد. هم‌چنین، می‌توان متغیرهای، مقطع و رشته‌ی تحصیلی دانشجویان را در تحقیقات بعدی لحاظ نمود.

منابع

احمدی‌پور، طاهره (۱۳۸۵) «بررسی عوامل برون‌زبانی مؤثر بر پذیرش نوواژه‌ها از سوی فارسی‌زبانان بر مبنای مدل انتشار نوآوری‌های کوپر»، رساله‌ی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.

۱۰۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۸۹

احمدی گیوی، حسن؛ حاکمی شکری، یداله؛ طباطبایی اردکانی، سیدمحمد (۱۳۷۱) مشکل‌های زبان فارسی، زبان و نگارش فارسی، تهران: علامه طباطبایی.

اصول و ضوابط واژه‌گزینی (۱۳۷۶) فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

افراشی، آرزیتا (۱۳۸۶) ساخت زبان فارسی، تهران: سمت.

حدادعادل، غلامعلی (۱۳۸۰) «واژه‌گزینی از گذشته‌ی نزدیک تا آینده دور»، نامه فرهنگستان، س ۵، ش ۲، صص ۲.

حق شناس، علی محمد (۱۳۷۰) بلوای واژه‌سازی مجموعه مقالات ادبی، زبان شناختی، تهران: انتشارات نیلوفر، صص ۳۲-۲۵.

سمیعی، احمد (۱۳۷۵) «مقابله با هجوم واژه‌های بیگانه»، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۱، صص ۲.

شرفی، اعظم (۱۳۷۹) «بررسی جایگاه برخی از معادل‌های فارسی پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بین مردم»، رساله‌ی کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

صادقی، علی اشرف (۱۳۷۵) «نکاتی درباره‌ی واژه‌های قرضی در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۲، صص ۱۵۴-۱۵۲.

کافی، علی (۱۳۶۸) بررسی واژه‌های ریاضی فرهنگستان اول، نشر دانش، س ۱۰، ش ۱، در «درباره‌ی زبان فارسی» صص ۳۱۸-۳۰۸.

----- (۱۳۷۱) بررسی واژه‌های فرهنگستان اول، نشر دانش، س ۱۲، ش ۱، صص ۳۹-۳۱.

محمودی، رعنا (۱۳۸۸) «بررسی میزان کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مقایسه با واژگان قرضی در ترجمه‌ی متون تخصصی دانشگاهی»، رساله‌ی کارشناسی‌ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۱) آیا زبان فارسی در خطر است؟، نشر دانش، س ۲، ش ۲، صص ۹۷-۳۴.

واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه‌های عمومی ۱ (۱۳۷۶). تهران: چاپ رهگشا.

واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه‌های عمومی ۲ (۱۳۷۷). تهران: چاپ تندیس.

هاشمی‌میناباد، حسن؛ شمسی، مریم (۱۳۸۶) «بررسی الگوهای واژه‌سازی در دفتر اول فرهنگ واژه‌های مصوب

فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، مجله‌ی زبان‌شناسی، س ۲۲، ش ۱، صص ۱۱۷-۱۰۹.